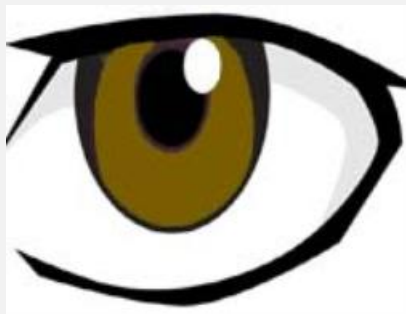




چشم برزخی و چشم بصیرت چیست؟

نزد اهل حکمت و عرفان، عالم برزخ، عالمی فراتر از عالم دنیاست و به هر مقدار که ما از دل‌بستگی و وابستگی به مادیات دنیا دور شویم، به عالم مافوق آن، بیشتر دسترسی می‌یابیم. بنابر آن‌چه از روایات به دست می‌آید، اگر انسان سالک، علاوه بر انجام واجبات و ترک محرمات، به نوافل و رعایت تقوا بیش از حد معمول، موفق شود، بیش از آن‌چه دیگران، از حمت معنیه، به دست می‌آورند، به دست خواهد آورد که از آن، به چشم برزخی تعبیر می‌شود و جنبه کسب، «حقانته»، اافات از «هقاعه»، دك می‌کند. با نگاه او، اطرافیان تحت تاثیر قرار می‌گیرند و مبهوت او می‌شوند که از آن به «ابهت شخصیت» تعبیر می‌شود. از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده که خداوند فرمود:

«هیچ بنده‌ای با وسیله‌ای که نزد من محبوبتر باشد از آن چه بر او واجب کرده‌ام، به من نزدیک نشد. همانا او با «نافله» به من نزدیک می‌شود تا آن جا که او را دوست بدارم و چون دوستش بدارم، گوش او شوم که با آن بشنود و چشم او شوم که با آن ببیند و زبان او شوم که با آن سخن گوید و دست او شوم که با آن ضربه زند. اگر مرا بخواند، جوابش دهم و اگر از من خواهش کند به اهد بدهم.»
اصول کافی، کلینی، ج 2، ص 352

از همان ابتدای خلقت، دو نیروی ظاهری و باطنی در درون انسان، صف‌آرایی کرده، سعی کردند تا قلب انسان را تسخیر کنند و برای این منظور، شیطان و نفس اماره، در مقابل پیامبران الهی و عقل قرار گرفتند. حال اگر این انسان، در مقابل خداوند متعال، خاضع و خاشع شده و به معرفت و بصیرت برسد و تنها خدا را پرستش کند، بر فرشتگان (که کاری جز خیر و نور نمی‌توانند انجام دهند)، برتری دارد.

معرفت و بصیرت در منابع روایی ما، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و یک ساعت تفکر در آفریده‌های خداوند، آینده جهان و فرجام انسان، می‌تواند فکر آدمی را تصحیح کرده، او را به راه راست رهنمون سازد و از هفتاد سال عبادت، برتر خواهد بود. این معرفت، همان «چشم دل» است؛ یعنی شخص با چشم حقیقت‌بین، به طبیعت و اطراف خود نگاه می‌کند؛ نعمتی که در درون همه انسان‌ها به ودیعت گذارده شده و تنها غفلت و توجه به جنبه‌های خاکی و طبیعی، چشم باطنی را ضعیف و کم سو ساخته است و تنها با اعتقاد راسخ و عمل صالح است که چشم حقیقت‌بین، فعال و احیا می‌شود. در روایاتی از حضرت علی علیه‌السلام:

«کم‌سخنی و گزیده‌گویی»، «ملازمت با حق»، «استقامت در دین»، «همنشینی با نیکان»، «عمل صالح»، «مدارا با مردم»، «صدق و دوستی»، «ادب ورزیدن»، «عفت ورزیدن»، «عفو و گذشت کردن از مردم»، «تجاهل نسبت به خطاهای مردم»، «زهد ورزیدن در دنیا»، «موقع سکوت ذکر گفتن»، «اخلاص در عمل داشتن» و «جدال نکردن»، از نشانه‌های عقل و بصیرت شمرده شده‌اند.

در قرآن مجید، چنین آمده است:

«هر کس تقوا پیشه کند، خداوند به او فرقان (قدرت تشخیص بین حق و باطل) عطا می‌کند» (انفال/29)

این فرقان که همان چشم دل و چشم حقیقت‌بین است، مومن را از مهلکه‌های گوناگون نجات داده، به سوی رستگاری رهنمون می‌کند.

نقطه آغازین چشم باطن‌بین، از همین مرحله می‌باشد؛ به طوری که با رعایت تقوا، آدمی بر اعضای بدن خود مسلط می‌شود؛ تا آن‌جا که طوری بر غضب خود مسلط می‌شود که بدون اراده، خشم او شعله‌ور نمی‌شود و دست و پای او به دیگران آسیب نمی‌رساند و طوری بر خواسته‌های نفسانی خود مسلط می‌شود که بدون خواست او، شهوتش برافروخته نمی‌شود و حریم دیگران را نمی‌شکند و آن‌چنان بر چشم خود مسلط می‌شود که از هرگونه خیانت، دوری می‌کند و حتی گوش او به کنترل در می‌آید و هر صدایی را نمی‌شنود.

پس از مسلط شدن شخص بر اعضای بدنش، روح او، قدرت بیشتری پیدا می‌کند و بر تصورات و خیالات ذهنی خویش نیز حاکم می‌شود؛ به طوری که اراده او متمرکز می‌شود و بدون اراده، تصورات مختلف، به ذهن، راه نمی‌آید. اگر انسان، علاوه بر انجام واجبات و ترک محرمات، به نوافل و رعایت تقوا بیش از حد معمول موفق شود، بیش از آن‌چه دیگران از جهت معنوی به دست می‌آورند، به دست خواهد آورد.

انسان سالک، با رعایت تقوای بیشتر، رفته رفته بر دیگر انسان‌ها نیز مسلط می‌شود؛ به طوری که با نگاه او، اطرافیان تحت تاثیر قرار می‌گیرند و مبهوت او می‌شوند که از آن به «ابهت شخصیت» تعبیر می‌شود و سخن شخص سالک به گونه‌ای در مخاطب تاثیر می‌کند که سراسر وجود مخاطب را فرا می‌گیرد و از آن، به «نفوذ کلام» تعبیر می‌شود. در مرحله قوی‌تر، قدرت روح به حدی می‌رسد که باطن شخص مقابل را تشخیص می‌دهد که از آن به چشم برزخی و نگاه باطن‌بین، تعبیر می‌شود. چشم دل، بر اثر عادت و انس به عالم طبیعت، کم سو شده، توان دیدن حقایق را ندارد و تنها راه چاره، روشن نمودن آن از طریق اطاعت خداوند (انجام واجبات و ترک محرمات) می‌باشد و این کار، به تدریج به دست می‌آید؛ چنانکه کند شدنش نیز به تدریج و در طول زمان بوده است. شخص عاقل، این دنیای کوتاه مدت را بسان کشتزاری می‌داند که باید محصول مورد نیاز را در آن کاشته، تا پس از کمال، آن را در دنیای دیگر برداشت کند. چنین شخصی، در سایه بصیرت معنوی، آن دیدگاه و برداشت معمولی از زندگی و هدف‌های آن را از ذهن خود دور ساخته است. او از تمام لحظات عمرش، با بهره‌گیری از نوافل و ترک محرمات، در بهشت، تلاش می‌کند.

منبع:

نشریه پرسمان، شماره 54، اسفند 1385، بالندکی تصرف